

استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران

مجتبی بابایی*

چکیده

گرایش روزافزون به استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی در کنار ترس از گسترش تسلیحات هسته‌ای و وقوع جنگی هسته‌ای، جامعه بین‌المللی را به انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) سوق داد. منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای همه اعضا و خلع سلاح هسته‌ای، سه ستون اصلی این معاهده را شکل می‌دهند. با وجود این، مفهوم، دامنه شمول و حدود حقوق و تعهدات دولت‌های عضو در رابطه با این ستون‌ها، همواره از مسائل مورد اختلاف گروه‌های مختلف دولت‌ها، به‌ویژه کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای بوده است. مناقشه بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، از جمله موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم، نمونه بارزی از این اختلافات است. بر پایه یافته‌های تحقیق حاضر، استفاده از انرژی هسته‌ای حقی عام و ذاتی است که کلیه دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عام از آن برخوردارند. اما این حق عام، در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با تعهد به عدم گسترش و ساخت سلاح هسته‌ای محدود شده است. به این ترتیب، هر دولت، تا زمانی که چنین تعهدی را نقض ننموده از کلیه حقوق خود، شامل غنی‌سازی اورانیوم برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: حق استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای، حقوق بین‌الملل عام، غنی‌سازی اورانیوم، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی).

مقدمه

بدون تردید کشف انرژی اتم یکی از مهم‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین دستاوردهای بشر در طول تاریخ بوده است. انرژی هسته‌ای با کاربردهای بسیار مفیدی که در زمینه تولید برق، پزشکی، کشاورزی و ... دارد، منشأ تحولات شگرفی در زندگی بشر بوده است. در عین حال تشعشعات رادیواکتیو ناشی از مواد هسته‌ای و به‌ویژه استفاده از اتم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای مخاطرات بسیار ناگواری برای سلامت بشر و حیات کل موجودات کره زمین پدید آورده است. قدرت ویرانگری سلاح‌های هسته‌ای در حدی است که می‌تواند کلیه دستاوردهای تمدن بشری را در مدت زمان کوتاهی از میان بردارد. جامعه بین‌المللی از همان سال‌های اولیه استفاده از انرژی هسته‌ای به ماهیت دوگانه مفید و مخرب این کشف و تکنولوژی جدید پی برد و دریافت که استفاده و توسعه دانش و فناوری اتمی نیازمند همکاری بین‌المللی در چارچوب یک نظم حقوقی بین‌المللی است. در نتیجه تلاش‌هایی که در این زمینه به عمل آمد، نظام حقوقی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای با محوریت معاهده ۱۹۶۸ عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) شکل گرفت. هدف اولیه تدوین‌کنندگان این نظام حقوقی جدید از یک سو تضمین برخورداری ایمن از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای برای همگان، و از سوی دیگر، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای بیان گردید. اما تأکید قدرت‌های بزرگ بر هدف عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و بی‌توجهی نسبت به دیگر اهداف نظم حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای، از جمله حقوق هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای، موجب مواضع و دیدگاه‌های مختلف و گاه متضادی در خصوص ماهیت نظام حاکم بر عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای گردید. در حالی‌که دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای برخورداری از هرگونه فناوری مربوط به تحقیق، توسعه و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق مسلم خود به موجب ان.پی.تی می‌دانند، برخی دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای تلاش می‌کنند تا با ادعای پیشگیری از گسترش بالقوه سلاح هسته‌ای دامنه حق مذکور را محدودتر سازند. اختلاف نظرها و تنش‌های راجع به برنامه‌های هسته‌ای ایران به‌ویژه موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم، نمونه بارزی از این دیدگاه‌های مختلف در مورد حقوق و تعهدات دولت‌ها طبق نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. در نوشتار حاضر تلاش کرده‌ایم تا با تحلیل مواضع و تفاسیر مختلف، مفهوم، ماهیت و حدود حقوق هسته‌ای دولت‌ها با توجه به نظام حقوق بین‌الملل معاصر مورد بررسی قرار گیرد (بند نخست) و در ادامه، موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌ویژه حق غنی‌سازی اورانیوم را تحلیل و ارزیابی نماییم (بند دوم).

۱. ماهیت و حدود حقوق و تعهدات هسته‌ای دولت‌ها از نظر حقوق بین‌الملل

یکی از مسائل مهم در حقوق بین‌الملل هسته‌ای این است که دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل از چه حقوق و تعهداتی در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای برخوردارند؟ آیا این حقوق غنی‌سازی اورانیوم را نیز در بر می‌گیرد؟ و در صورت پاسخ مثبت به سؤال اخیر آیا غنی‌سازی محدود و یا مشروط به درجه، میزان و یا رعایت شروط خاصی شده است یا خیر؟ برای پاسخ به این سئوالات، ابتدا حق استفاده از انرژی هسته‌ای و محدودیت‌های احتمالی آن را از منظر حقوق بین‌الملل عام و سپس در پرتو حقوق بین‌الملل هسته‌ای بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

۱-۱. ماهیت حق استفاده از انرژی هسته‌ای

۱-۱-۱. از دیدگاه حقوق بین‌الملل عام

سؤال قابل طرح در این خصوص این است که آیا اصل یا قاعده عامی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که با استناد به آن یک دولت بتواند بدون توجه به اینکه در معاهده‌ای خاص عضویت دارد یا نه، به حق خود در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای استناد کند. در نگاه اول به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال منفی باشد، چرا که هیچ اصل یا قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل عام وجود ندارد که مستقیماً به دولت‌ها حق استفاده از انرژی هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم اعطا کند و تاکنون چنین حقی در هیچ نهاد قضایی بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته نشده است. همین موضوع مستمسکی شده تا برخی حق غنی‌سازی را به عنوان یک حق عام انکار نمایند. اما با کمی تأمل در ساختار جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل به عنوان نظم حقوقی حاکم بر آن می‌توان بی‌اساس بودن چنین ادعایی را اثبات نمود و از غنی‌سازی به عنوان یک حق عام برای کلیه دولت‌ها، صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود چنین حقی در معاهدات بین‌المللی، یاد کرد. مهم‌ترین شاهد این موضوع اصل مشهور لوتوس است که از آن به عنوان یکی از مبانی حقوق بین‌الملل یاد می‌شود. طبق این اصل که در قضیه‌ای به همین نام در سال ۱۹۲۷ توسط دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری به رسمیت شناخته شده است، اصولاً، دولت‌های دارای حاکمیت آزادند هر عملی انجام دهند مگر اینکه به‌طور ارادی محدودیتی برای خود پذیرفته یا به رسمیت شناخته باشند. از نظر دیوان «حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط میان دولت‌های مستقل است. بنابراین قواعد الزام‌آور آن برای دولت‌ها از اراده آزاد آنها به نحوی که در کنوانسیون‌ها و رویه‌های مبین حقوق [عرف] پذیرفته و تثبیت شده است نشأت می‌گیرد. بنابراین نمی‌توان محدودیت بر دولت‌ها را فرض نمود.»

این دیدگاه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری ناشی از ساختار غیرمتمرکز جامعه بین‌المللی و ماهیت اساساً رضایت‌محور حقوق بین‌الملل به عنوان نظم حقوقی حاکم بر این جامعه است. در این نظام دولت‌ها با حفظ حاکمیتشان عضو جامعه بین‌المللی می‌شوند و اصولاً مجازند هر اقدامی در حوزه حاکمیتشان انجام دهند، مگر اینکه به‌طور صریح (معاهده) یا تلویحی (عرف) به محدودیتی برای خود رضایت داده باشند. اگرچه اصل حاکمیت دولت‌ها از زمان رأی فوق (۱۹۲۷) تا به امروز دستخوش تحولات زیادی شده، به طوری که با وجود شمار زیادی قواعد آمره عرفی بین‌المللی و عضویت دولت‌ها در معاهدات متعدد، دیگر سخن از حاکمیت مطلق دولت‌ها روا نیست، اما همچنان ساختار رضایت‌محور حقوق و جامعه بین‌المللی حفظ شده و این دیدگاه در آراء اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تثبیت شده است.^۱

از این رو می‌توان گفت با توجه به اینکه که هیچ قاعده عامی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که اقدام دولت‌ها را در زمینه استفاده صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم، منع کند. بنابراین اقدامات دولت‌ها در این زمینه از منظر حقوق بین‌الملل عام اصولاً مجاز و مشروع تلقی می‌گردد و هر نهاد یا مقامی که مانع دستیابی دولت‌ها به استفاده صلح‌آمیز دولت‌ها از دانش یا فناوری هسته‌ای گردد، عملی مغایر با حقوق بین‌الملل عام انجام داده است. همچنین، با توجه به اصل لوتوس می‌توان به مجاز بودن غنی‌سازی اورانیوم در حقوق بین‌الملل حکم داد و این عمل را یک حق عام برای دولت‌ها تلقی نمود.

۱-۲. از نگاه حقوق بین‌الملل هسته‌ای

پس از کشف اتم و توسعه روزافزون استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و در عین حال آگاهی و وحشت جامعه جهانی از پیامدهای بسیار ناگوار به‌کارگیری این کاوش جدید برای مقاصد نظامی، تلاش‌های گسترده‌ای در سطح جامعه بین‌المللی آغاز گردید تا ضمن تضمین استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مانع از انحراف استفاده از آن به سمت تولید سلاح هسته‌ای شود. مجموعه این تلاش‌ها منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از اسناد، معاهدات، قواعد عرفی و رویه‌هایی گردیده که ما از آنها به عنوان حقوق بین‌الملل هسته‌ای یاد می‌کنیم و قصد داریم موضوع استفاده از انرژی هسته‌ای و

۱. برای مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود راجع به قانونی بودن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای با این استدلال که هیچ قاعده عرفی یا معاهده‌ای دولت‌ها را از استفاده از سلاح هسته‌ای منع ننموده، کاربرد این گونه سلاح‌ها را در دفاع مشروع رد نمی‌کند. همچنین دیوان در نظر مشورتی دیگری در زمینه اعلامیه استقلال کوزوو مجدداً مجاز بودن هر عملی که در حقوق بین‌الملل منع نشده است را تأیید می‌کند.

به‌ویژه غنی‌سازی اورانیوم را از این منظر مورد بررسی قرار دهیم. اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) و رویه دولت‌های عضو مهم‌ترین منابع حقوق بین‌الملل هسته‌ای به شمار می‌آیند.

الف- اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

به دنبال پیشنهاد آیزنهاور رییس جمهور ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۵۳ در طرح «اتم برای صلح»^۱ خطاب به مجمع عمومی، تأسیس یک سازمان بین‌المللی در زمینه انرژی اتمی در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفت. در نتیجه تلاش‌های سازمان ملل متحد، سرانجام اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ مورد تصویب هشتاد کشور، قرار گرفت. اهداف و وظایف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را می‌توان در سه حوزه دسته‌بندی نمود:

– کمک به دولت‌های عضو در زمینه توسعه، تحقیق و استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای

– کمک به دولت‌های عضو در زمینه حفاظت و ایمنی تأسیسات هسته‌ای

– نظارت بر عدم انحراف استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد نظامی و تولید سلاح هسته‌ای^۲

بند الف ماده ۳ اساسنامه صراحتاً وظیفه تشویق و مساعدت به دولت‌ها در زمینه «تحقیق درباره انرژی اتمی و توسعه آن و استفاده عملی از آن برای مقاصد غیرنظامی در سراسر جهان» را به این آژانس محول می‌کند. با توجه به اهداف و مقاصدی که برای آژانس پیش‌بینی شده است می‌توان به‌خوبی به این مطلب پی برد که اقدام دولت‌ها در زمینه تحقیق، توسعه، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای همه کشورها، نه‌تنها عملی مجاز، بلکه یک نیاز و ضرورت از سوی جامعه بین‌المللی تلقی شده است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز برای همکاری دولت‌ها در جهت پاسخ به چنین نیازها و ضرورتی‌هایی تأسیس شده است.

ب- معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مهم‌ترین سند بین‌المللی است که مستقیماً و توأمان هم تعهد به عدم تکثیر سلاح هسته‌ای و هم حق استفاده از انرژی

1. Atom for peace.

۲. رای مطالعه بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: رضایی، صالح، «نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در توسعه و اجرای حقوق بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد، سال هجده، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.

صلح‌آمیز هسته‌ای را مورد توجه قرار داده است. اگرچه این معاهده با دسته‌بندی دولت‌های عضو به «دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای» و «دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای» و نابرابری حقوق و تعهدات این دو دسته، سندی ناعادلانه به نظر می‌آید،^۱ اما پیداست که عضویت تقریباً جهانی این معاهده ناشی از واقعیات جامعه بین‌المللی بوده که گاه ترس از جنگ و یا حفظ صلح بر عدالت و برابری اعضای جامعه بین‌المللی به عنوان آرمان جامعه بشری سایه افکننده است. گذشته از این، به رسمیت شناختن صریح حق مسلم دولت‌های عضو نسبت به برخورداری از انرژی هسته‌ای در متن معاهده عامل اساسی الحاق کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای به این معاهده بوده است. به موجب ماده ۴ «هیچ‌یک از مقررات این معاهده نباید به نحوی تفسیر گردد که مانع از حق مسلم کشورهای عضو برای برخورداری از انرژی هسته‌ای گردد.» به اعتقاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه انگیزه اساسی آنها برای الحاق به این معاهده حفظ حق مندرج در ماده ۴ معاهده بوده است. به رسمیت شناختن حق بر انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در معاهده‌ای بین‌المللی که ۱۹۰ دولت عضو آن هستند باعث گردیده تا برخی این حق را به عنوان یکی از حقوق بنیادین دولت‌ها تلقی کنند و بر این باور باشند که هیچ نهادی صلاحیت محرومیت یا ایجاد مانع از اعمال چنین حقی را نداشته باشد.

پ - رویه دولت‌های عضو ان.پی.تی

رویه دولت‌های عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌ویژه کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای حکایت از آن دارد که حق دست‌یابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای از حقوق مسلم همه دولت‌های عضو معاهده بوده و از این حیث تفاوتی میان هیچ‌یک از آنها وجود ندارد. اگرچه در حال حاضر سهم انرژی هسته‌ای در تولید انرژی در جهان نسبت به سایر منابع انرژی به‌ویژه منابع فسیلی قابل توجه نیست، اما روند استفاده از فناوری هسته‌ای در زمینه تولید انرژی در جهان روزبه‌روز در حال افزایش است.

با توجه به موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که در وضعیت کنونی، استفاده از انرژی هسته‌ای حقی است بنیادین برای همه دولت‌ها که هم در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای و هم در حقوق بین‌الملل عرفی جایگاه خود را تثبیت نموده است. اما این حق نیز همچون سایر حقوق دولت‌ها، ممکن است با تعهدات و محدودیت‌هایی همراه

۱. نگاه کنید به: فلسفی، هدایت‌الله، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی و بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره هجدهم و نوزدهم، ۱۳۷۳-۷۴.

باشد. بنابراین به منظور شناخت واقع‌بینانه حق استفاده از انرژی هسته‌ای می‌بایست محتوا و محدودیت‌های احتمالی آن را نیز مورد بررسی قرارداد.

۲-۱. محدودیت‌های حق برخورداری انرژی هسته‌ای

تقریباً همه دولت‌ها در اصل حق برخورداری از انرژی هسته‌ای متفق القول بوده و هیچ دولت یا نهادی منکر چنین حقی نیست. اما سئوالی که مطرح می‌گردد این است که حوزه شمول یا حدود استفاده از انرژی هسته تا چه میزانی مجاز است. پاسخ به این سئوال نیز مستلزم بررسی و تحلیل قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل مرتبط است.

۱-۲-۱. حقوق بین‌الملل عام

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد به موجب حقوق بین‌الملل عام تحقیق، توسعه، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای همه دولت‌ها مجاز و در واقع از حقوق ذاتی آنها است. اما استفاده از انرژی هسته‌ای همچون سایر اعمال دولت‌ها می‌بایست در چارچوب سایر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عام باشد. در حقوق بین‌الملل عام دو محدودیت عمده در زمینه فعالیت‌های مجاز دولت‌ها، از جمله فعالیت‌های هسته‌ای، وجود دارد: یکی ممنوعیت به‌کارگیری فعالیت‌های مجاز به منظور ارتکاب جنایات بین‌المللی و دیگری جبران خسارت ناشی از فعالیت مجاز دولت‌ها. بنابراین هیچ دولتی نمی‌تواند انرژی هسته‌ای را برای ارتکاب جنایات بین‌المللی مانند تجاوز به دیگر دولت‌ها جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مورد استفاده قرار دهد. همچنین، چنانچه دولتی در اثر فعالیت‌های مجاز هسته‌ای خود موجب خسارت به دیگر دولت‌ها و یا آسیب‌های جدی به محیط‌زیست گردد ملزم به جبران خسارت خواهد بود.^۱ این محدودیت‌ها ناشی از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عام بوده و فارغ از این موضوع است که یک دولت عضو یک معاهده خاص می‌باشد یا خیر. این نکته را نیز باید اضافه نمود که هیچ محدودیتی در زمینه نوع و میزان فعالیت هسته‌ای کشورها به موجب حقوق بین‌الملل عام وجود ندارد و هر دولت می‌تواند از کلیه مراحل چرخه سوخت هسته‌ای شامل تحقیق، توسعه، تولید و بهره‌برداری و حتی تولید سلاح هسته‌ای بهره‌مند گردد. با این همه این حق عام ممکن است در حقوق بین‌الملل خاص (حقوق بین‌الملل هسته‌ای) با محدودیت‌هایی مواجه شود.

1. Kiss, Alexander, "State Responsibility and Liability for Nuclear Damage", Denver Journal of International Law & Policy, Vol. 35, 2006, p. 68.

۱-۲-۲. حقوق بین‌الملل هسته‌ای

حقوق بین‌الملل هسته‌ای در واقع فعالیت‌های هسته‌ای کشورها را در چارچوب قواعد و مقررات خاص نظم می‌بخشد و حدود آن را تعیین می‌کند. پیش از این یادآور شدیم که در چارچوب حقوق بین‌الملل هسته‌ای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اقدامی مجاز و به عنوان حق ذاتی دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است. اکنون باید دید آیا برای برخورداری از چنین حقی در چارچوب مقررات بین‌المللی هسته‌ای محدودیت یا ممنوعیتی نیز پیش‌بینی شده است یا خیر.

الف- اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

همان‌گونه که ذکر شد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با هدف همکاری و مساعدت به دولت‌ها در زمینه توسعه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و جلوگیری از انحراف فعالیت‌های هسته‌ای به سمت اهداف نظامی تأسیس گردید. تدوین‌کنندگان اساسنامه آژانس میان فعالیت‌های هسته‌ای با اهداف مسالمت‌آمیز و اهداف نظامی تفکیک قائل گردیده و در حالی که به صراحت «تشویق و کمک به دولت‌های عضو در زمینه تحقیق، توسعه و استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای» را به عنوان وظیفه و هدف آژانس بیان نموده‌اند، نظارت بر عدم انحراف این فعالیت‌ها به سمت اهداف نظامی را در حیطه اختیارات و وظایف آژانس قلمداد می‌نمایند. با این همه، در اساسنامه هیچ تعریفی از «هدف صلح‌آمیز» و «هدف نظامی» به عمل نیامده است. این موضوع ممکن است موجب اختلافاتی راجع به تفسیر این عبارت‌ها گردد. اما آنچه از معنای عادی و متداول عبارات «تحقیق»، «توسعه» و «استفاده» بر می‌آید این است که همه فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری را در بر می‌گیرد و هیچ نوع محدودیتی در زمینه نوع و سطح فعالیت تا زمانی که صلح‌آمیز باشد را شامل نمی‌شود. به‌کارگیری انرژی هسته‌ای در راستای اهداف نظامی که مانع کمک‌های هسته‌ای تلقی شده نیز زمانی محقق می‌گردد که بازرسان آژانس به صراحت تأیید نمایند که کشوری از انرژی هسته‌ای به منظور آزمایش یا تولید سلاح هسته‌ای استفاده کرده است. نکته دیگری که در مورد اساسنامه آژانس می‌توان ذکر نمود این است که اساسنامه به صراحت تولید سلاح هسته‌ای را برای دولت‌های عضو منع نمی‌کند بلکه تنها ارائه کمک‌ها و مساعدت‌های خود به کشورهای عضو را به عدم انحراف به سمت اهداف نظامی مشروط نموده است و در همین زمینه از اعضا اخذ تعهد می‌نماید. بنابراین به نظر می‌رسد چنانچه یک کشور عضو به اتکای دانش و تلاش خود و بدون استفاده از مساعدت آژانس اقدام به تحقیق و توسعه انرژی هسته‌ای حتی در جهت اهداف نظامی نماید، نقض تعهدی نسبت به مقررات آژانس انجام نداده است. شاید

همین نقیصه در کنار سایر عوامل، موجب ایجاد معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گردید.

ب- معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

بیان شد که ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌صراحت از حق ذاتی همه دولت‌های عضو برای تحقیق و توسعه و استفاده از انرژی هسته‌ای سخن به میان می‌آورد و در وجود چنین حقی برای دولت‌ها تردیدی باقی نمی‌گذارد. اما سئوالی که باقی است این است که آیا این معاهده حق دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای را به‌عنوان حقی مطلق می‌پذیرد یا محدود و مشروط. به عبارت دیگر آیا طبق معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌توان یک دولت را از حق برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای منع یا محدود نمود؟ پاسخ به این سئوالات مستلزم مراجعه به متن و تفسیر دقیق و درک صحیح از مقررات معاهده فوق با توجه به اصول و مقررات تفسیر معاهدات می‌باشد.

طبق بند یک ماده چهار معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای: هیچ چیزی در این معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق مسلم هم‌پیمانان در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را تحت تأثیر قرار دهد. این امر باید بدون اعمال تبعیض و در مطابقت با مواد ۱ و ۲ این پیمان باشد.

با تحلیل محتوای مقرر فوق می‌توان تا حد زیادی دامنه و حدود حق برخورداری از انرژی هسته‌ای برای دولت‌های عضو را مشخص نمود. ویژگی‌های این حق عبارتند از:

- «مسلم» بودن حق
- شمول حق به همه مراحل چرخه سوخت هسته‌ای شامل تحقیق، تولید و استفاده
- محدودیت حق به مقاصد صلح‌آمیز
- عدم پذیرش تبعیض در اعمال حق
- مشروط شدن حق به مواد یک و دو معاهده

در مورد ویژگی «مسلم بودن» حق دولت‌های طرف معاهده نسبت به انرژی هسته‌ای ذکر چند نکته ضروری می‌نماید: نخست اینکه نه در این معاهده و نیز در هیچ سند مرتبط با آن عبارت «حق مسلم» تعریف نشده است. طبق اصول و قواعد تفسیر معاهدات، به نحو مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات، برای تفسیر معاهده می‌بایست به معنای عادی و متداول عبارات با توجه به سیاق عبارت و موضوع و هدف معاهده مراجعه نمود. از این رو برای درک صحیح عبارت «حق مسلم» که ترجمه فارسی عبارت انگلیسی *Inalienable Right* است، ابتدا می‌بایست

به مفهوم عادی و متداول این عبارت مراجعه نمود. عبارت *Inalienable* صفتی است که به فارسی به «مسلم»، «ذاتی» و «لاینفک» نیز ترجمه شده است، زمانی که با اسم حق *Right* همراه شود به معنی حقی جدایی‌ناپذیر که قابل واگذاری یا معامله از طرف دارنده آن نیست به کار می‌رود. بنابراین «مسلم بودن» حق دولت‌ها در برخورداری از انرژی هسته‌ای به این معنی است که این حق از قبل موجود بوده و درج در بند یک ماده ۴ صرفاً تأیید مجدد آن در یک سند بین‌المللی است.^۱

ویژگی دیگر حق برخورداری از انرژی هسته‌ای این است که این حق شامل کلیه مراحل چرخه سوخت هسته‌ای است. بند یک ماده ۴ به صراحت این حق را شامل «توسعه تحقیق، تولید و استفاده» از انرژی هسته‌ای می‌داند. بنابراین هر دولت عضو معاهده حق برخورداری از کلیه دانش و فناوری چرخه سوخت هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم برخوردار خواهد بود.

مفهوم عبارت «مقاصد صلح‌آمیز» را نیز می‌توان با توجه به مفهوم مخالف آن که در معاهده نیز ذکر شده است تعریف نمود؛ بدین معنی که هر فعالیتی که جنبه نظامی آن اثبات نشده است، فعالیت صلح‌آمیز تلقی می‌گردد. طبق سایر مقررات معاهده فعالیت‌های ممنوعه نظامی برای کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای عبارتند از ممنوعیت ساخت، کسب و تملک سلاح‌های هسته‌ای.

در مورد ویژگی بدون تبعیض بودن حق دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای باید اشاره نمود که دولت‌های طرف این معاهده به‌ویژه دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای، بر این امر تأکید داشته‌اند که برخلاف نابرابری و تبعیضی که در زمینه برخورداری از سلاح هسته‌ای پذیرفته‌اند، چنین تبعیضی در مورد جنبه‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای قابل قبول نیست و در این زمینه هیچ‌گونه تفاوتی میان دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای و دولت‌های فاقد آن از یک سو، و در روابط دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای با یکدیگر از سوی دیگر، وجود ندارد. بنابراین هر نوع تکنولوژی که در اختیار دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای است و در زمینه تحقیق، توسعه، تولید و استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای کاربرد دارد، می‌تواند در اختیار کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای قرار گیرد. از این رو می‌توان گفت ویژگی بدون تبعیض بودن حق دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای در واقع تقویت کننده حق مندرج در شق اول خواهد بود و محدودیتی برای آن محسوب نمی‌شود.

1. See: Joyner, Daniel, "Iran's Nuclear Program and International Law", Penn State Journal of Law & International Affairs, Vol. 2, 2013, pp. 82- 88.

یکی دیگر از ویژگی‌های حق مندرج در بند یک ماده ۴ این است که حق مسلم استفاده از انرژی هسته‌ای مشروط به رعایت مواد یک و دو معاهده شده است. در واقع حق دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای که برگرفته از حقوق بین‌الملل عام است، در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای منوط به رعایت تعهد دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای به عدم انتقال این سلاح به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای (ماده یک) و تعهد دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای به عدم تولید سلاح هسته‌ای (ماده دو) می‌گردد. در نتیجه، چنانچه هریک از این کشورها به تعهد خود طبق ماده یک یا دو عمل نکند، دیگر نمی‌تواند به حق مندرج در ماده ۴ استناد نماید. بنابراین با توجه به موضوع و هدف معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای آشکار است که حق مندرج در ماده ۴ از این نظر برای کلیه طرف‌های آن به رعایت تعهدات اصلی آنها طبق معاهده محدود و مشروط شده است. با این همه، مسلم است که تا زمانی که اثبات نشده که دولتی مواد یک یا دو معاهده را نقض نموده است، هیچ مقامی نمی‌تواند در حق مسلم آن کشور در زمینه انرژی هسته‌ای خللی وارد کند. تشخیص اینکه دولت‌ها تعهدات خود طبق مواد یک یا دو معاهده را رعایت نموده‌اند یا خیر، به موجب ماده ۳ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به سازمان بین‌المللی انرژی اتمی واگذار شده است. اما به هر حال فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، همچنان بدون محدودیت ماهوی نسبت به نوع و میزان آن مشروع و قانونی می‌باشند. طبق مقررات ماده ۳ معاهده، دولت‌های عضو که فاقد سلاح هسته‌ای هستند متعهد شده‌اند که از طریق انعقاد موافقت‌نامه پادمان، نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های خود را بپذیرند تا این سازمان صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای آنها و عدم انحراف به سمت مقاصد نظامی را راستی آزمایشی کند.

پ- رویه دولت‌ها

رویه دولت‌ها در مورد حق دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای را می‌توان از دو جنبه بررسی نمود، نخست ماهیت تعهدات دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای به موجب معاهده ان.پی.تی، و دیگری حدود حقوق هسته‌ای دولت‌های عضو این معاهده. در مورد جنبه نخست، از رویه دولت‌ها چنین بر می‌آید که تعهدات دولت‌های عضو ان.پی.تی در خصوص موضوع و هدف اصلی آن یعنی عدم گسترش تعداد دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای صرفاً جنبه قراردادی داشته و مربوط به اعضای آن است. عملکرد واقعی دولت‌ها به خوبی مؤید این موضوع است؛ چرا که دولتهایی که بعد از شکل‌گیری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای قصد دستیابی یا تولید سلاح هسته‌ای داشته‌اند، آگاهانه از عضویت در این معاهده امتناع ورزیده‌اند. و حتی پس از دستیابی

این دولت‌ها به سلاح هسته‌ای هیچ دولت یا نهاد بین‌المللی مدعی این موضوع نشده که چنین دولت‌هایی تعهدات بین‌المللی خود را نقض نموده‌اند. بنابراین اگرچه امروزه ۱۹۰ دولت عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شده‌اند، اما محدودیت‌های مندرج در این معاهده حتی در زمینه جنبه‌های نظامی انرژی هسته‌ای صرفاً جنبه معاهده‌ای دارند و نمی‌توان از وجود یک تعهد عرفی به عدم گسترش و تولید سلاح هسته‌ای سخن به میان آورد.

اثبات این ادعا را می‌توان به طور تلویحی از رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای استنباط نمود. دیوان در این رأی در پاسخ به سؤال مجمع عمومی سازمان ملل متحد که آیا «حقوق بین‌الملل، تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای را تحت هر شرایطی مجاز می‌داند؟» اعلام کرد: «نه حقوق بین‌الملل عرفی و نه حقوق بین‌الملل معاهده‌ای، حاوی ممنوعیت کامل و جهانی تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای نیستند ...». بدین ترتیب اگر استفاده از سلاح هسته‌ای به موجب حقوق بین‌الملل عرفی منع نشده است، تحصیل یا تولید این سلاح نیز نمی‌تواند ممنوعیت عرفی داشته باشد.^۱

در مورد جنبه دوم یا حدود حق دولت‌ها در زمینه برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیز رویه دولت‌ها در خور تأمل است. آنچه مسلم است معاهده ان‌پی‌تی به‌صراحت حق دولت‌های عضو در زمینه توسعه، تحقیق و توسعه و استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت شناخته و استفاده از این انرژی صرفاً برای مقاصد نظامی منع شده است. با این همه، همان‌گونه که ذکر شد، نه مقاصد صلح‌آمیز و نه مقاصد نظامی در معاهده و اسناد مرتبط تعریف نشده‌اند. بنابراین تعریف و تفکیک این دو نوع استفاده از انرژی هسته‌ای را می‌توان در رویه دولت‌ها بررسی نمود. در واقع فناوری هسته‌ای در مراحل مختلف، از تحقیق و توسعه گرفته تا غنی‌سازی اورانیوم، به میزان و درجات مختلف تفاوتی میان اهداف صلح‌آمیز و نظامی تفاوتی وجود ندارد و فرآورده نهایی یعنی اورانیوم غنی‌شده حاصل از تحقیق، توسعه و تولید تجاری می‌تواند مورد استفاده در نیروگاه‌های تولید برق و یا تولید سلاح هسته‌ای به کار رود.^۲ به این

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص نظر مشورتی دیوان رجوع کنید به: شافع، میرشهبیز، «رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۱، ۱۳۷۷، صص. ۱۵۶-۱۲۹.

2. Elbaredei, Mohamed; Nwogugu, Edwin; and John Rames, "International Law and Nuclear Energy: Overview of Legal Framework", IAEA Bulletin, Vol. 3, 199, p. 16.

ترتیب کشوری که دارای دانش و فناوری غنی‌سازی و بازفرآوری چرخه سوخت هسته‌ای است، به‌طور بالقوه توان تولید سلاح هسته‌ای نظامی را نیز دارد. همین موضوع باعث گردیده تا برخی دولت‌های غربی بر این باور باشند که هدف نظام عدم گسترش سلاح هسته‌ای وقتی به‌طور واقعی محقق می‌شود که دستیابی به تکنولوژی‌های حساس مانند غنی‌سازی و بازفرآوری که امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای را فراهم می‌کند را محدود یا ممنوع کنند. به باور اینان، نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای باید تلاش کند تا پیش از دستیابی یک دولت به سلاح هسته‌ای از آن ممانعت به عمل آورد؛ در غیر این صورت زمانی که دولتی به سلاح هسته‌ای دست یابد دیگر امکان برچیدن چنین سلاحی غیرممکن و یا بسیار سخت خواهد بود. در نتیجه این کشورها معتقدند نباید امکان دستیابی همه کشورها به تکنولوژی حساس هسته‌ای در چارچوب ان.پی.تی داده شود، زیرا ممکن است برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را پوششی برای اهداف نظامی قرار دهند. اینان کره شمالی و عراق را نمونه بارز دیدگاه خود می‌پندارند که با عضویت در ان.پی.تی و تحت لوای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز به سمت تولید و آزمایش سلاح هسته‌ای پیش رفتند.

در مقابل این دیدگاه، موضع دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای به‌ویژه کشورهای جنبش غیرمتعهد قرارداد که همواره با چنین برداشتی از معاهده ان.پی.تی مخالف بوده‌اند. کشورهای در حال توسعه در مناسبت‌های مختلف بر حق دستیابی خود به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بدون محدودیت دفاع کرده و آن را یکی از اهداف اساسی معاهده قلمداد می‌کنند، و اقدام کشورهای هسته‌ای در عدم کمک به توسعه انرژی هسته‌ای در این کشورها را که جز تعهدات آنها است را به باد انتقاد گرفته‌اند. در عمل نیز تعداد نسبتاً قابل توجهی از کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای به تکنولوژی چرخه کامل سوخت هسته‌ای دست یافته‌اند و هیچ‌گاه از طرف سازمان بین‌المللی انرژی یا حتی دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای به نقض تعهد متهم نشده‌اند.

بنابراین حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در رویه دولت‌ها شامل کلیه مراحل تحقیق، توسعه، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای و شامل غنی‌سازی و بازفرآوری می‌شود و از رویه دولت‌ها نمی‌توان اعتقاد حقوقی مبنی بر محدودیت‌های نسبت به نوع، میزان و سطح معینی از انرژی هسته‌ای را متصور گردید.

۲. وضعیت فعالیت‌ها و حقوق هسته‌ای ایران

۲-۱. تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران

تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را می‌توان در دو دوره متفاوت از هم بررسی نمود: دوران پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و دوره پس از انقلاب تاکنون. آغاز

فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سال ۱۳۲۹ و با همکاری ایالات متحده آمریکا بر می‌گردد. پیش از انقلاب اسلامی ایران برنامه‌های زیادی برای توسعه و گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای داشت و به همین منظور موافقت‌نامه‌های زیادی با کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، فرانسه و... در زمینه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای منعقد نمود. ایران در سال ۱۳۳۷ شمسی (۱۹۵۷ میلادی) عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفت و در سال ۱۹۶۸ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرد که در سال ۱۹۷۰ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در راستای توسعه فعالیت‌های هسته‌ای اولین نیروگاه هسته‌ای تحقیقاتی کشور توسط آمریکا در تهران دایر گردید. در سال ۱۳۵۳ سازمان انرژی اتمی تاسیس و در همین سال قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر با شرکت آلمانی کرافت‌ورک یونیون^۱ آلمان منعقد گردید. فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران پیش از انقلاب عمدتاً با همکاری دولت‌های خارجی و به‌ویژه شرکت‌های اروپایی پایه‌ریزی شده بود.^۲

پس از پیروزی انقلاب شرکای خارجی ایران مشارکت و همکاری خود در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را متوقف و از ادامه تعهدات خود امتناع نمودند. به همین دلیل بسیاری از پروژه‌های هسته‌ای ایران به مدت چندین سال عملاً متوقف و ناتمام ماند. پس از جنگ تحمیلی بار دیگر فعالیت‌های هسته‌ای کشور با هدف خودکفایی در زمینه چرخه کامل سوخت و تکمیل پروژه‌های ناتمام از سرگرفته شد. به همین منظور در دی‌ماه ۱۳۷۳ قرارداد تکمیل نیروگاه بوشهر با روس‌ها امضا شد. علاوه بر این، پروژه‌های دیگری از جمله تأسیسات هسته‌ای نطنز و رآکتور آب سنگین اراک و فوردو به صورت مستقل و بدون مشارکت سایر کشورها به دست متخصصان و دانشمندان داخلی شروع به فعالیت نمود؛ به طوری که در حال حاضر ایران از جمله کشورهایی است که از دانش و فناوری کامل چرخه سوخت هسته‌ای برخوردار می‌باشد.

۲-۲. بروز مناقشه فعالیت‌های اتمی ایران تا برنامه اقدام مشترک موقت ژنو

در حالی که ایران طبق مقررات موافقت‌نامه پادمان با آژانس وظیفه‌ای برای افشای این تأسیسات نداشت و به دلیل جلوگیری از مانع‌تراشی‌های مخالفین برنامه‌های خود را به صورت غیرعلنی پیش می‌برد، اما در سال ۲۰۰۲ افشای این فعالیت‌ها توسط منابع غیررسمی منجر به باز شدن موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس

1. Kraftwerk Union.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ر. ک: غریب‌آبادی، کاظم، برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.

بین‌المللی انرژی اتمی و سپس شورای امنیت و بروز مناقشه‌ای هسته‌ای میان ایران و غرب گردید. به دنبال این وقایع مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش خود اعلام نمود که ایران به تعهدات خود طبق موافقت‌نامه پادمان پایبند نبوده است. سپس شورای حکام آژانس از ایران می‌خواهد تا زمان راستی‌آزمایی و اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود و عدم انحراف به سمت اهداف نظامی، همکاری‌های بیشتری با آژانس داشته باشد. برای حل این بحران، ایران علاوه بر همکاری با آژانس و اجرای پروتکل الحاقی به موافقت‌نامه پادمان، گفتگوها و مذاکراتی را با کشورهای اروپایی آغاز نمود و حتی به‌طور داوطلبانه پذیرفت که غنی‌سازی اورانیوم خود را به حالت تعلیق درآورد. اما به دلیل عدم توافق طرفین بر ادامه این روند، ایران تعلیق غنی‌سازی را پایان داد. به دنبال این وقایع در سال ۲۰۰۶ شورای حکام آژانس موضوع فعالیت‌های ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داد. از آن پس موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت. شورای امنیت در قطعنامه ۱۶۹۶ ضمن اعلام این موضوع که فعالیت‌های هسته‌ای ایران تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، از ایران می‌خواهد کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد. اما ایران این درخواست را غیرقانونی اعلام و از اجرای آن اجتناب کرد. به دنبال آن، چندین قطعنامه طبق فصل هفتم تصویب و تحریم‌هایی علیه ایران وضع شد. علاوه بر این، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به‌طور یک‌جانبه اقدام به تشدید این تحریم‌ها نمودند و شرکت‌ها و کشورهای خارجی را نیز وادار به همراهی با این تحریم‌ها نمودند. همزمان و در خلال این مدت چندین دور مذاکره میان ایران و گروه موسوم به ۵+۱ در جریان بود که این مذاکرات در نهایت منجر به توافق‌نامه‌ای موقت موسوم به برنامه موقت اقدام مشترک یا توافق‌نامه موقت ژنو گردید.

۲-۳. حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم

یکی از مسائل مهم و مورد ادعای غرب در مورد برنامه هسته‌ای ایران این بوده است که ایران به دلیل عدم پایبندی به تعهدات خود به‌موجب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دیگر از حق غنی‌سازی برخوردار نیست. علاوه بر این، با وجود قطعنامه‌های شورای امنیت که طبق فصل هفتم منشور صادر شده و ایران را مکلف به توقف غنی‌سازی اورانیوم نموده است دیگر نمی‌توان از حق غنی‌سازی برای ایران مانند سایر اعضای معاهده سخن به میان آورد.

برای این موضوع و پاسخ ادعاهای فوق لازم است ابتدا مفهوم عدم پایبندی ایران از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سپس تاثیر آن و همچنین قطعنامه‌های شورای امنیت بر حق غنی‌سازی ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

در خصوص آنچه که از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان به «عدم پایبندی» ایران به تعهدات خود به موجب موافقت‌نامه پادمان از آن یاد شده باید اشاره نمود که آژانس در هیچ یک از گزارش‌های خود به انحراف برنامه‌های هسته‌ای ایران به سمت سلاح هسته‌ای به عنوان تعهد اساسی ایران طبق معاهده اشاره‌ای نکرده است. آنچه در گزارش‌های آژانس از آن به‌عنوان عدم پایبندی ایران یاد شده، تعهد به اعلام گزارش به‌موقع فعالیت‌های هسته‌ای به‌موجب ماده ۳ ان.پی.تی و موافقت‌نامه پادمان میان ایران و آژانس بوده است. در این خصوص، حتی اگر بپذیریم ایران در اعلام به‌موقع فعالیت‌های هسته‌ای خود قصور ورزیده و به ماده ۳ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پایبند نبوده است، این امر تأثیری بر ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای آن نخواهد داشت؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر اثبات نمودیم، ماده ۴ ان.پی.تی به‌صراحت حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را تنها به رعایت مواد ۱ و ۲ مشروط نموده است. از این‌رو از آنجا که ایران به تعهدات خود در زمینه عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای پایبند بوده است، اعلام عدم پایبندی و قصور ایران از سوی آژانس تأثیری بر حق دستیابی ایران به فعالیت‌های صلح‌آمیز از جمله حق غنی‌سازی ایران نخواهد داشت.

در مورد قطعنامه‌های شورای امنیت شورای امنیت و حق غنی‌سازی ایران نیز استدلال غرب این است که شورای امنیت طبق این قطعنامه خواستار توقف فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شده و از آنجا که این قطعنامه‌ها طبق فصل هفتم منشور صادر شده و از نظر حقوقی برای همه دولت‌های عضو الزام‌آور است، لذا ایران دیگر نمی‌تواند به غنی‌سازی به عنوان حق پذیرفته شده در ماده ۴ ان.پی.تی برای خود استناد جوید، زیرا تعلیق غنی‌سازی تعهدی است که از منشور ملل متحد نشأت گرفته و به موجب ماده ۱۰۳ منشور تعهدات دولت‌ها طبق منشور بر تعهدات آنها بر اساس سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی اولویت دارد. از این‌رو تا زمانی که قطعنامه‌های شورای امنیت اعتبار دارد، دیگر نمی‌توان از حق غنی‌سازی به عنوان جزئی از ماده ۴ ان.پی.تی سخن به میان آورد.^۱

در رد این ادعا می‌توان چنین استدلال نمود که قطعنامه‌های شورای امنیت صرفاً خواستار «تعلیق» غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران شده‌اند و واژه «تعلیق» به معنی

1. See: Persbo, Andreas, "Some legal aspect of Iran's nuclear programme", Presentation to the International Law Association Roundtable on 'Nuclear Weapons, Nuclear Energy and Non-Proliferation under International Law: Current Challenges and Evolving Norms' The Oxford and Cambridge Club, London, United Kingdom, 30 May 2012.

توقف امری به‌طور موقت است و نمی‌توان از آن محرومیت ایران از حق غنی‌سازی اورانیوم را استنباط نمود. علاوه‌براین در مورد تقدم و برتری منشور بر سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که در ماده ۱۰۳ منشور پیش‌بینی شده است باید به این نکته توجه نمود که آنچه در این ماده اولویت داده شده «تعهدات» دولت‌ها بر اساس منشور نسبت به تعهدات آنها بر اساس دیگر موافقت‌نامه‌ها است نه «حقوق» آنها.^۱ بنابراین ماده ۱۰۳ منشور و قطعنامه‌های شورای امنیت تأثیری بر حقوق دولت‌ها به موجب ماده ۴ آن.پی.تی نخواهد داشت.

۲-۴. توافق‌نامه موقت ژنو

«توافق‌نامه موقت ژنو راجع به برنامه هسته‌ای ایران»^۲ با نام رسمی «برنامه اقدام مشترک»^۳ عنوان توافقی است میان ایران و گروه موسوم به ۵+۱ که در سوم آذرماه ۱۳۹۲ (برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳) پس از حدود ده سال مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران برای یک مدت شش‌ماهه قابل تمدید به امضاء طرفین رسید. بر اساس این توافق که ماهیتاً یک موافقت‌نامه سیاسی و نه حقوقی است، طرفین توافق نمودند که برای رسیدن به یک راه‌حل جامع بلندمدت و مورد توافق طرفین و با هدف تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران اقدامات متقابلی را به صورت داوطلبانه به عنوان گام اول یک راه‌حل جامع انجام دهند. موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران یکی از موضوعات مورد مناقشه در خلال مذاکرات تدوین این موافقت‌نامه میان طرفین بود. در حالی که طرف ایرانی بر به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی برای ایران در متن این توافق‌نامه اصرار داشت، طرف مقابل از پذیرش چنین حقی امتناع می‌کرد. سرانجام این موضوع در متن توافق‌نامه مسکوت ماند. این وضعیت موجب شد تا بلافاصله پس از توافق هر یک برداشت و تفسیر موردنظر خود را از متن توافق‌نامه ابراز دارد؛ به‌طوری‌که از یک سو مقامات ایرانی از تثبیت حق غنی‌سازی ایران در توافق‌نامه ژنو سخن به میان می‌آوردند و در سوی دیگر وزیرخارجه ایالات متحده امریکا منکر وجود هرگونه حق غنی‌سازی به موجب توافق‌نامه ژنو شد.^۴

۱. ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: در صورت تعارض بین تعهدات اعضاء ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود.

2. Geneva Interim Agreement on the Iranian Nuclear Program.
3. Joint Plan of Action.
4. Blake, Aaron, "Kerry on Iran: We do Not Recognize a Right to Enrich", The Washington Post, 24 November 2013.

بر اساس آنچه از متن این توافق منتشر شده،^۱ اگرچه این توافق نامه به صراحت به غنی سازی به عنوان یک «حق» برای ایران اشاره مستقیمی ندارد اما با توجه به اینکه طبق تصریح متن توافق نامه ایران در دوره توافق نامه و پس از آن در توافق نهایی همچنان برنامه غنی سازی اورانیوم خواهد داشت، می توان نتیجه گرفت که توافق نامه ژنو نه تنها خدشه ای به حق غنی سازی ایران وارد نمی کند، بلکه عملاً قطعنامه های شورای امنیت را که طبق آنها ایران می بایست کلیه فعالیت های غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در می آورد را کنار می گذارد و از این منظر، توافق نامه ژنو دستاوردی مهمی جهت تثبیت حق غنی سازی ایران به شمار می آید.

۱. به نقل از ترجمه فارسی برنامه موقت اقدام مشترک توسط وزارت امور خارجه:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920903001384>

نتیجه‌گیری

برخورداری از انرژی هسته‌ای حقی است که از حقوق بین‌الملل عام نشأت گرفته و کلیه دولت‌ها از این حق برخوردارند. با وجود این، تهدیدات ناشی از انحراف انرژی هسته‌ای از خدمت به بشریت به سمت تولید و استفاده از سلاح مرگبار هسته‌ای جامعه جهانی را بر آن داشت تا سازوکارهایی فراهم کند تا استفاده از انرژی هسته‌ای را محدود به اهداف صلح‌آمیز و منع گسترش سلاح هسته‌ای نماید. معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز با چنین هدف رویکردی تدوین شد و به اجرا درآمد. اگرچه این معاهده با قرار دادن دولت‌ها در دو گروه دارنده و فاقد سلاح هسته‌ای تعهدات نابرابری بر آنها تحمیل کرده است، اما کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای با هدف دستیابی به ارزشی والاتر یعنی برقراری صلح و امنیت بین‌المللی به چنین تعهداتی تن دادند. گذشته از این، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای از همان ابتدا بیم آن داشتند تا از رهگذر مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از دستیابی به مصارف صلح‌آمیز هسته‌ای نیز محروم شوند و مقررات آن معاهده دستاویزی شود برای انحصار فناوری هسته‌ای در اختیار کشورهای خاص. به همین دلیل به‌صراحت حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز را به عنوان حق مسلم خود در ماده چهار معاهده و با شرط عدم گسترش سلاح هسته‌ای (مواد یک و دو معاهده) درج نمودند. در نتیجه، تا زمانی که نقض ماده یک یا دو معاهده اثبات نشده است، دولت‌ها از حقوق صلح‌آمیز هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم به‌طور کامل برخوردارند. ایران نیز به عنوان یکی از اعضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از این قاعده مستثنا نیست. اگرچه به‌دلیل اختلافات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص زمان اعلام گزارش برخی فعالیت‌های هسته‌ای، ایران به‌طور کلی در اجرای تعهدات خود طبق مقررات موافقت‌نامه پادمان متهم و بر همین اساس پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع شد، اما با توجه به اینکه در گزارش‌های آژانس هیچ‌گاه انحراف برنامه هسته‌ای به سمت سلاح هسته‌ای اثبات نشده است، ایران نیز مانند سایر اعضای معاهده از همه حقوق هسته‌ای خود از جمله غنی‌سازی اورانیوم برخوردار می‌باشد. به این ترتیب حق غنی‌سازی اورانیوم به عنوان یکی از ابعاد حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز ایران همچنان باقی بوده و نیاز به تصدیق در هیچ سند جدید یا شناسایی آن از سوی دیگر کشورها نخواهد داشت.

منابع

- رضایی، صالح، «نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در توسعه و اجرای حقوق بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد، سال هجده، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.
- شافع، میرشهبیز، «رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۱، ۱۳۷۷.
- فلسفی، هدایت‌الله، «تابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی و بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره هجدهم و نوزدهم، ۷۴-۱۳۷۳.
- غریب‌آبادی، کاظم، برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- Blake, Aaron, "Kerry on Iran: We do Not Recognize a Right to Enrich", The Washington Post, 24 November 2013.
- Elbaredei, Mohammed; Nwogugu, Edwin; and John Rames, "International Law and Nuclear Energy: Overview of Legal Framework", IAEA Bulletin, Vol. 3, 1995.
- Joyner, Daniel, Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty, Oxford University Press, 2011.
- Joyner, Daniel, "Iran's Nuclear Program and International Law", Penn State Journal of Law & International Affairs, Vol. 2, 2013.
- Kiss, Alexander, "State Responsibility and Liability for Nuclear Damage", Denver Journal of International Law & Policy, Vol. 35, 2006.
- Persbo, Andreas, "Some legal aspect of Iran's nuclear programme", Presentation to the International Law Association Roundtable on 'Nuclear Weapons, Nuclear Energy and Non-Proliferation under International Law: Current Challenges and Evolving Norms' The Oxford and Cambridge Club, London, United Kingdom, 30 May 2012.